گفت‌وگوی با دکتر داریوش صفرنژاد، کارشناس ارشد مسائل اوراسیا درباره فرصت‌های فرهنگی و تمدنی ایران در آسیای‌میانه

آسیای میانه به ما سهم داده است خودمان نگرفته‌ایم!

■ حسن فرامرزی

فرصت‌های فرهنگی و تمدنی ایران در آسیای‌میانه موضوع بحث ما با دکتر داریوش صفرنژاد، کارشناس ارشد مسائل اوراسیاست. از زاویه دید این کارشناس تزارها، کمونیست‌ها و بازیگران جدید ۲۰۰سال است به دنبال مدفون کردن علقه‌ها و ریشه‌های یکسان فرهنگی و تمدنی مردمان آسیای‌میانه با ایران هستند و همچنان تلاش‌ها در این زمینه ادامه دارد، اما با این حال خاستگاه یکسان تمدنی و دینی ایران و آسیای‌میانه آنقدر اظهرمن‌الشمس است که آن نور را با هیچ پرده ضخیمی نمی‌توان پوشاند. از نگاه این کارشناس اگر ایران می‌خواهد در منطقه مهم آسیای‌میانه - با وجود مناقشاتی که حتی بر سر اسم این منطقه وجود دارد - نقش‌آفرینی جدی داشته باشد و از سهم خود در این زمینه استفاده کند، نمی‌تواند نسبت به دیپلماسی مردمی و اقتصادی در کنار دیپلماسی سیاسی و دفاعی بی‌تفاوت باشد.

اگر بخواهیم مشخصاً درباره فرصت‌های فرهنگی و تمدنی ایران در آسیای‌میانه سخن بگوییم، چه نکاتی قابل ذکر است؟

الان واژه آسیای‌میانه - مرکزی - زیر سؤال است. بخش قابل توجهی از این منطقه - قزاقستان - جزو نقشه اروپاست و قزاقستان به عضویت شورای اروپا درآمده و همین طور قفقاز جنوبی، می‌دانید که قزاقستان شش ماه رئیس شورای اروپا شد و در تمام تصمیم‌گیری‌ها و روندهای اروپا حق رأی دارد. متأسفانه ما علم‌مان را در این باره به روز نکرده‌ایم. ما این واقعیت‌ها را باید به افکار عمومی منتقل و تولید محتوا و علم کنیم. اولین بحث که باید روی آن به یک واژه مشترک برسیم، اسم این منطقه است. منطقه‌ای که ما به آن آسیای‌میانه یا مرکزی می‌گوییم ترجمه واژگانی است که غربی‌ها تولید کرده‌اند و پنج کشور را شامل می‌شود. ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان. در بعضی از کتب جغرافیایی پیرامونی ما موقعی که می‌خواهند بگویند آسیای‌میانه، کشورهایی مثل افغانستان، مغولستان و گاهی حتی بخش‌هایی از چین را نام می‌برند اما آنچه در دنیای امروز به عنوان یک قاعده جغرافیایی برای آسیای‌میانه تعریف شده این پنج کشور است. این منطقه ۴میلیون مترمکعب مساحت دارد با حدود ۸۰میلیون نفر جمعیت. البته بین کشورهای آسیای‌میانه، ترکمنستان قدری در جمعیت خود عقب گرده است.

چقدر اعلام کرده‌اند؟

۹/۵میلیون نفر اما در واقع حدود ۱۲/۵ تا ۱۵میلیون نفر جمعیت دارد. ترکمنستان آمده جمعیت کل ترکمن‌های دنیا را جزو جمعیت خود به حساب آورده است. می‌دانید که از چندین سال پیش در کتاب‌های درسی ترکمنستان، سرزمین مادری و ناسیونالیسم قومی گنجانده شد و عملاً ترکمن‌های ایران، روسیه، ایغوستان و نقاط دیگر دنیا را هم جزو جمعیت خود به حساب آورده‌اند. نکته دوم اینکه امروز از این مساحت ۴میلیون کیلومتر مربعی، کشوری به نام قزاقستان ۲میلیون و ۷۰۵هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. یعنی خیلی بزرگ‌تر از کشورما - واز سال ۱۹۹۶ یعنی ۲۶سال قبل رسماً در نقشه اروپا تعریف شده است. آنچه درباره قزاقستان مهم است بدانیم این است که بخشی از جنوب سیبری که دشت و منطقه بزرگی بالاب قزاق است به این وسعت دامن زده است. اما جمعیتی قزاقستان برای سال ۲۰۲۳ حدود ۱۹/۵ میلیون نفر است.

یعنی یک چهارم جمعیت ایران، با مساحتی بیشتر از ۱۰ ایران.

بله، البته جمعیت ایران در حال حاضر ۸۴میلیون نفر گفته شده که از تا ۵میلیون مهاجر افغانستانی - افغانستانی‌های هزاره‌ها، هندی‌ها و سریلانکایی‌ها. به آن اضافه کنیم. جمعیت ایران بین ۸۳/۹میلیون نفر خواهد بود. قزاقستان به حاطر داشتن دشت‌های فراوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکننده‌های غله در دنیاست. منطقه‌ای که شما می‌توانید کشت فارمزینی خوبی در آنجا داشته باشید. حت ما باید دو کشور آسیای‌میانه، جزو خاکی و آبی دارید، با ترکمنستان خاکی - آبی و با قزاقستان مرز آبی. از این پنج کشور دو کشور به صورت مستقیم با جمهوری اسلامی همسایه هستند و مابقی همسایه با یک واسطه. بزرگ‌ترین بخش این منطقه ۲۷سال است در نقشه اروپا گنجانده شده و اندیشمندان ما به ویژه اندیشمندان جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک باید واژه جدیدی برای این منطقه انتخاب کنند. تیم‌های ورزشی قزاقستان در سال‌های پس از فروپاشی دو بار از اسیا جدا شده و دوباره به آسیا برگشته‌اند، چون در اروپا امکان رقابت نداشته‌اند. هنوز هم خودشان در این زمینه به ثبات نرسیده‌اند که بالاخره متعلق به کجا هستند اما به هر حال ۲۷سال است در استانداردها و ساختارهای دیگری تعامل می‌کنند و ما نمی‌توانیم منکر این تعامل باشیم.

بهمن ۱۴۰۰ در اجلاس به نام «سیاست همسایگی» که ۱۵/۵سال مشترک دفتر مطالعات خارجی وزارت خارجه و مجموعه افای رحیم‌صفوی این بحث را مطرح کردم که کسانی که صاحب علم جغرافیای سیاسی هستند باید واژه‌سازی کنند. آنها گفتند طبق ساختاری که از قبل بوده و دنیا به ۱۲منطقه تقسیم شده، این منطقه نامگذاری شده است. آنجا گفتم این موقع این مناطق جزئی از اروپا بودند. گفتند شما پیشنهادی بدهید. گفتم من مسئوم گفت اوراسیای شرقی. بعد ۱۱ فروردین ۱۳۰۲ شدند تومن سیاست خارجی‌شان را مشترک کردند. این سند جایگاه‌ها و وزنه‌های اصلی سیاست خارجی روسیه را مطرح کرده است. جدای از اینکه برای جمهوری اسلامی جایگاه قابل توجهی را قائل شده‌اند در این سند واژه جالبی را آورده‌اند به نام قاره اوراسیا. یعنی به قاره‌های کره‌زمین قاره جدیدی اضافه شده است. در واقع روسیه می‌گوید من نه آسیا هستم نه اروپا، قاره جدیدی هستم به نام اوراسیا.

چقدر این تقسیمات جدید در دنیا پذیرفته شده‌است؟

در واقع قزاقستان نمی‌خواسته آن تأثیرپذیری فرهنگی به وجود بیاید.

دقیقاً. آنها بعد از فروپاشی، پایتخت را در جنوب سیبری ساختند. آستانه تقریباً کپی‌برداری از دوبی است.

گاهی افرادی که از دور به ما نگاه می‌کنند، افراط را یهشتر می‌بینند. من بعضی وقت‌ها می‌گویم ما آنقدر ها هیپ‌نیستیم، چون به ویژه این چندساله در شبکه‌های اجتماعی، موج بالاهره را تجربه کرده‌ایم ما هاگر ایرانی‌ها تحقیر ملیت ایرانی رایج بوده است. شواهدی که از علاقه به ایران در آسیای‌میانه وجود دارد حکم «خوشتر آن باشد که سر دلبران / گفته آید در حدیث دیگران» را دارد. انگار چشم‌هایی که از دور ما را می‌بینند، تصویر بهتری از ما دارند.

من آماری به شما بدهم. در ۵/۵سال بعد از فروپاشی و استقلال ترکمنستان، رئیس جمهور اسبق ترکمنستان آقای صفرمراد نیازاف طی ۵/۵سال ۶۷ بار روسای جمهوری ما را به شکل دوجانبه و چندجانبه.

و تلفنی؟

نه، حضوری.

جدی می‌گویید؟ یعنی تقریباً هر سی‌وچندروز یک بار دیدار.

این یک کرد تاریخی در دیپلماسی ایران است. بعضاً آیان به شکل غیررسمی به ایران سفر کرده. استاندار و وزیری را دیده که رئیس کمیسیون مشترک میان ما و ترکمنستان بوده در مراسمی در استان گلستان - که آن موقع اسمش زهدشت و پیام بزرگی داشت. یعنی زهد و ایران را ترک کرده‌اند. نشان دهنده چیست؟ نشان می‌دهد از ایران احساس تهدید نکرده و پیام بزرگی است.

تازه بدون آنکه ما در این زمینه نقشه‌ای چیده باشیم و سرمایه‌گذاری انجام داده باشیم.

بله. عشق ابادیک هسته کوچک قدیمی دارد و دو توتارش را به واسطه صادرات منابع نفت و گاز بعد از فروپاشی بزرگ کرده‌اند و برج‌های آنچنانی ساخته‌اند. همچنان که قزاقستان در استانه هم این کار را کرده، چون منابع نفت و گاز خوبی داشته‌اند. این پایتخت - عشق‌ابا - تقریباً در نقطه صفر مرزی خیلی مهم است.

پایتخت در نقطه صفر مرزی خیلی معنادار است.

عکس: رضا مدرس/جوان

روابط سیاسی ما زمانی راهبردی است که دارای دو پیوست باشد: اول پیوست مردمی و فرهنگی، دوم پیوست اقتصادی. زمانی که جیب من به جیب یک کشور همسایه دوخته شود، قطعاً آنجا پایگاه دشمن علیه من نخواهد بود

اینها نُرم‌هایی است که هنوز در دنیا به رسمیت شناخته نشده است، اما دارند واژه‌سازی می‌کنند. حضرت آقا زمانی گفتند چه کسی گفته اینجا مرکز شرق است. خاورمیانه از کجا؟

از طرف چه کسی؟

بله، به خاطر همین گفتند نگویید خاورمیانه، بگویید غرب آسیا. الان هم به این منطقه آسیای مرکزی می‌گویند. من در اجلاس علمی «سیاست همسایگی» که ۱۵/۵سال پیش برگزار شد، آن‌قلتی آوردم که این چه مرکز آسیایی است که خودش در اروپاست. خب این در تعارض است و اندیشمندان و استادان ما باید در این زمینه جرأت‌گشایی کنند. چرا اندیشمندان ما فقط به کتب ترجمه شده اعتبار علمی می‌دهند.

در واقع شما می‌فرمایید ما قبل از اینکه این تعارض‌ها را حل کنیم، اصلاً نمی‌توانیم از آن فرصت‌های فرهنگی و تمدنی استفاده کنیم.

درست است؟

بله، چون سرمرگ‌هایی در میان نخبگان ما وجود دارد که بالاخره ایران را به رسمیت نمی‌شناسند یا آسیایی؛ اما این قزاقستان را مثال زده، از چهار کشور دیگر خودشان را آسیایی می‌دانند و در شورای اروپا عضویت ندارند اما در برخی از نهادها فرار گرفته‌اند، مثل سازمان طرح مشارکت صلح تا نو یا برخی از ساختارهای اقتصادی که بالاخره اینجا دیده می‌کنند. اگر در میادین بزرگی به این منطقه نگاه می‌کنید. گاما همان آسیای مرکزی است. Asia Federation Asian Central ... سؤال من این است، این چه آسیای‌میانه‌ای است که از ۴میلیون کیلومترمربع از ۲میلیون و ۷۰۵هزار کیلومترمربع آن در اروپاست. از طرفی آسیای‌میانه، منطقه‌ای است که بخشی از آن جزو تمدن ایران و بخش دیگر در امتداد تمدن ایران است. شما در هر پنج کشور آسیای‌میانه که بودید تمام مشاهیری که دارند و در کتاب‌های درسی گنجانده‌اند و برای آنها مجسمه، تاریخ و پیشینه ساخته‌اند ۱۰۰درصدشان جزو مشاهیر ایران است. ابوریحان بیرونی و فارابی و مخترعم فلبی - که حتی مزارش در استان گلستان ایران است - قابل انکار نیستند. اکثریت جمعیت آسیای‌میانه، حتی سلفی محب اهل‌بیت(ع) هستند. این جزو ویژگی‌های خاص این منطقه است. ما کمتر در کره‌زمین سلفی‌های حنفی داریم که محب اهل‌بیت(ع) باشند. بخش عمده هم مسیحی‌های ارتدوکس هستند. این منطقه اقلیت یک تا ۲درصدی شیعه هم دارد.

مشخصاً درباره ترکمنستان چه می‌دانیم؟

ترکمنستان، خودش را سرزمین مادر ترکمن‌های دنیا می‌داند و آنقدر در این کشور طایفه مهم است که نمادهای پنج طایفه اصلی - همان نقشه‌هایی که در پشتی‌ها و فرش‌های ترکمن هست - در پرچم ترکمنستان آمده است. نمادهای نقشه‌های فرش ترکمن هست. مردمان این کشور جزو معدود اقوام پیرامونی ما هست که به ترکمن‌های ایران بسیار به دیده احترام و علاقه نگاه می‌کنند. نهایت آرزو و رویای یک دختر ترکمنی در ترکمنستان این است که با یک پسر ترکمن در ایران ازدواج کند.

اینها را بر اساس تجربه‌های تان می‌گویید؟

بله باید بروید بین مردم زندگی کنید و ببینید.

شواهد دیگری هم می‌آورید؟

این اقوام در تاندور مرزهای ما هستند و اکثراً متأثر از کشورهای همجوار، اما نکته ترکمن‌های ترکمنستان به ترکمن‌های ما متاخرند و راست. یک مثال دیگر می‌زنم. پایتخت جمهوری ترکمنستان کمترین فاصله را با مرز ما دارد. به طوری که شما از نقطه صفر مرزی، عشق‌ابا را می‌بینید و نوسعه عشق‌ابا بعد از فروپاشی دیگری آن به مرز آنجا هم که گرد طوری که پایتخت، عملاً در نقطه صفر مرزی ایران است. حالا چرا این مهم است؟ بعد از فروپاشی شوروی، پایتخت قزاقستان به مرز دو کشور آسیای‌میانه نزدیک بود. با یک فاصله چندصدکیلومتری پایتخت را به جنوب سیبری بهتر شهر آنجا برد. آستانه شهری است که در دوران شوروی سابق، تبعیدگاه سیاسیون و زندانی‌های خطرناک بوده است.

در واقع قزاقستان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکننده‌های غله در دنیاست؛ منطقه‌ای که شما می‌توانید کشت فارمزینی خوبی در آنجا داشته باشید

بله، حس امنیت. با وجود اینکه اکنون رابطه‌مان خیلی گرم نیست اما این روند تکان نخورده است. ما چهار مرز زمینی با ترکمنستان داریم که در دو مرز، ریل متصل دارد. گلی در این باره هزینه شده است و ریل ما از طریق ترکمنستان به کل آسیای‌میانه، روسیه، اروپای شرقی و غربی متصل است. ما هنوز هم تجار ما به کریدور شمال و جنوب، آماده‌اند. سودآور لولی که راه‌اش اول افتتاح شد. اسفند ۱۳۷۳ بود. آقای هاشمی ۱۲ رئیس جمهوری را در مراسم افتتاح جمع کرده بود؛ مسیر از سرخس تا تجن. دومی در دولت یازدهم و دوازدهم آجرا شد و به مراسم گرفتند. اول خط ریل ما به ترکمنستان وصل شد، بعد راه‌آهن ترکمنستان به قزاقستان در ناحیه شرقی خزر و مراسم‌شوم را هم گرفتند.

اما از این ظرفیت و سرمایه‌گذاری استفاده نمی‌شود.

آن عدم‌شناخت دلیل اصلی است. ما از همدیگر شناخت نداریم.- در حالی که شناخت، ظرفیت ایجاد می‌کند. همان طور که نخبگان ما در جامعه به منطقه‌ای که بیشتر مساحت آن در اروپاست می‌گویند مرکز آسیا؛ این بعدشناخت از طرفی توجه کنید که همان آن طرف‌ها در افغانستان نگاه به بیرون دارند و هم‌ما. یکی از مشکلات ما این است که ما هیچ خط پروازی بین ایران و ترکمنستان نداریم، در حالی که ترکمنستان ۳۱/۵سال است که استقلال پیدا کرده است. هیچ‌های ایران به کجا می‌خواهند با پرواز به عشق‌آباد بروند از تهران به دوبی می‌روند و بعد از دوبی با پرواز می‌روند عشق‌آباد.

جای تأسف دارد. یعنی شمال ایران را به سمت جنوب ایران می‌روند، از مرز خارج می‌شوند، وارد یک کشور خارجی می‌شوند تا از طریق آن کشور دوباره‌ایران این مسیر را ممکنوس طی کنند.

با از تهران می‌روند استانبول، از استانبول می‌روند عشق‌آباد یا از تهران می‌روند باکو و از باکو...

چرا آقای دکتر؟

عدم‌شناخت. ما به جز مرز دریایی، چهار استان‌مان با ترکمنستان چهار مرز دارد. خراسان‌شمالی، خراسان‌رضوی، گلستان و مازندران. این چهار استان با ترکمنستان مرز زمینی و آبی دارند. خراسان‌شمالی هیچ مبدأ خروج و ورود ندارد اما مرز دارد. آن سه استان دیگر چهار مبدأ زمینی است. به علاوه بنادری که در دریای خزر داریم و تبادلات دریایی را امکانپذیر می‌کند. می‌خواهیم بگویم زیرساخت‌ها بعد از فروپاشی شوروی سابق فراهم شده است. دو ریل و خط لوله گاز متصل داریم. بندر امیرآباد و ما در مازندران، خاص تبادل انرژی و اقتصادی با این کشورها ساخته شده است. کشورما زمانی که نفت را پنج تا هفت دلار می‌فروخته این سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌ها را اوایل دوره فروپاشی شوروی و استقلال این کشورها انجام داده است. متأسفانه بسیاری از این زیرساخت‌ها به خاطر عدم‌شناخت، ارتباط و مسائل دیگر بلااستفاده مانده است. نکته کشید همین میوه‌های که مدت‌ها می‌رود در مسیر آستارا و از بین می‌رود، شما می‌توانید روی ریل راه‌آهن بیندازید و به روسیه برسانید. به جای غرب دریای خزر از شرق دریای خزر بفرستید. یک کریدور دریایی دیگر هم داریم. صندوق بازنشستگی کشتیرانی جمهوری اسلامی دومه سال است در شمال خزر ۵۳درصد سهام یک بندر روسی را خریده است.

کدام بندر؟

بندر سالینوکا معمولاً در قراردادهای دنیا به خارجی‌ها بیش از ۵۰درصد سهم را نمی‌دهند، اما صندوق بازنشستگی کشتیرانی این کار را کرده و این کریدور دریایی شمال-جنوب است اما کسی این کریدور را جدی نمی‌گیرد. همه به غرب دریای خزر چشم دوخته‌اند، به آذربایجان و ارمنستان. من نمی‌گویم مهم نیست است ما تا این فضا کامل شود، ما دو ریل و یک مسیر دریایی بالفعل داریم. در جنوب، دریای خزر، پنج بندر فعال داریم، آن بندر روسی را هم که خریده‌ایم.

یعنی ما حتی در عرضه دیپلماتیک هم انتظام نداریم.

بله، انتظام ملی. می‌گویند در ایران بی‌نظمی، نظم است. من می‌در تهران بر یک خیابانی راه می‌روم، هر خانه‌ای یک شکل ساخته شده است. امروز در دنیا دیگر شهرداری‌ها هاجزاء نمی‌دهند. هر کسی هر طور که دوست داشت خانه‌اش را با هر رنگ و نمایی بسازد، چون انضباط و زیبایی شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما شما می‌بینید در ترکمنستان قوانین سفت و سختی در این باره وضع و اجرا می‌شود. می‌گوید نمای ساختمان باید سفید باشد، یعنی شما نمی‌توانید هر طور دل‌تان خواست خانه‌تان را رنگ بزنید.

حالا چرا سفید؟

که شما مجبور باشید هر سال این نما را نقاشی کنید. البته من نمی‌خواهم بگویم اینها ایدال است و باید الگو شود.

اما دست کم بر عنوان واقعیت‌هایی که در دو پیرامون ما هست ارزش شناسایی دارد.

دقیقاً همین قدر که اینها هست. البته وقتی می‌گویم پیک و فلیان و سیگار ممنوع، شما پیش هم آمد سالمی برویید، می‌گوید همه‌ایم.

بعضی‌ها ممکن است بگویند این اقدامات سختگیرانه شما تنها یک جنبه دارد، فشارها را بر زیبایی می‌شود. ما با اینها فعلاً کار نداریم، اما اینکه واقعیتی در آنجا هست که ما می‌توانیم ببینیم.

بله، به عنوان نظم و انضباط ملی تعریف کرده‌اند. نوع پوشش زنان و مردان در ادارات دولتی تعیین شده است. خب ترکمنستان کشور طایفه‌محور است. کشوری که فرد در توت خانواده‌گی خود طوری بار می‌آید که جایگاه خودش را در طایفه تعریف کند. ترکمنستان دو نماد ملی دارد؛ یکی اسب و یکی فرش که هر دو وارد ترکانه دارد.

یعنی ما در ترکمنستان وزارت اسب داریم؟

بله وزارت اسب داریم، وزارت فرش داریم. این دو نماد‌های ترکمنستان در دنیا هستند. ترکمنستان در سال ۱۹۹۶ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خود را به عنوان کشوری طرف تثبیت کرده است، مثل سوئیس. عضو هیچ ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی نیست و هر همه جایی هم‌ایم.

اگر هم در یک دو ساختار مثل ناتوهای هم هست. دوران جنگ سرد جنگ خود را با طرف تجاری. البته حالا در ترکمنستان زمه‌های که است که ورود نکردن ما به ساختارهای بین‌المللی و منطقه‌ای، منافع ملی ما را تحت تأثیر قرار داده است اما به هر حال بعد از فروپاشی اتحادیه شوروی، ترکمنستان اعلام بی‌طرفی کرد؛ اینکه یک کشوری نمی‌تواند با هیچ کشوری وارد اتحادیه شود، پس با دشمن‌ها می‌تواند هم نمی‌تواند علیه ما وارد اتحاد شود.

ما در ایران انگار از آن بینشبه

شما به موزه‌های آسیای میانه بروید ریشه‌های فرهنگ ایرانی را می‌بینید. هیچ کسی هم آنجا نمی‌تواند این ریشه‌ها را منکر شود، ولو اینکه شعارهایی با نشانی‌های غلط بدهند که در ۲۰۰سال اخیر در همسایگان شمالی ما حاکم شده است. به نظر می‌رسد ما می‌توانیم روی اشتراکات کار کنیم، بدون اینکه بخواهیم روی اختلافات کار کنیم.

رئیس‌جمهور اسبق‌شان این کار را کرده و ادامه یافته است. تنها نقطه پیرامون ماست که عملاً قانون منع تردد شبانه دارد، یعنی از ۱۱ شب تا ۶ صبح کسی بدون دلیل نمی‌تواند در معابر عمومی رفت‌وآمد کند.

یعنی حکومت نظامی؟

بله و این طوری جرم و جنایت را کنترل کرده‌اند. البته جزو معدود کشورهای دنیا هستند که اگر شما در مجتمعی زندگی می‌کنید خانه‌ها باید سفید رنگ باشد. رنگ دیگری نمی‌شود زد و نما باید شب تا صبح روشن باشد.

چرا؟

آقای قربان قلی وردی محمداف، رهبر ترکمنستان علاقه عجیبی به رنگ سفید دارد. نورپردازی برای نمای خانه‌ها هم رایگان است و هر کسی این کار را نکند، جریمه سنگین دارد. در تلویزیون ترکمنستان وقتی برنامه‌ها تمام می‌شود، پخش زنده نمای ساختمان‌های شهر را نشان می‌دهد. در ترکمنستان ورزش صبحگاهی از ۵/۵صبح در تمام ادارات دولتی، مدارس، دانشگاه‌ها و شرکت‌ها اجباری است. از سال‌ها پیش آقای قربان‌قلی وردی محمداف با یک هلی‌کوپتر سفیدرنگ بر فراز شهر می‌چرخید و بدون اطلاع قبلی در یک دانشگاه، وارد آنجا شده یا مدرسه و اداره می‌نشست که ببینند مردم ورزش می‌کنند یا نه.

در واقع شما می‌گویید تصویری که ما از جزئیات زندگی یک امریکایی یا اروپایی داریم درباره عادت‌های فرهنگی یا غذایی یا نظام اجتماعی و سیاسی‌شان خیلی بیشتر از همسایه‌های‌مان در آسیای‌میانه است.

بله و تنظیم روابط همسایگی ایجاب می‌کند که ما به شناخت از همسایه برسیم. در ترکمنستان و کل آسیای‌میانه دولت‌ها لائیک هستند اما در همین ترکمنستان، تمام مراکز فساد و فحشا، قمارخانه، دیسکو، بار و کاباره ممنوع است. اگر هم باشد زیرزمینی است. حجاب اجباری نیست اما پوشیدن لباس سنتی ترکمنستان برای زنان اجباری است که در آن لباس، زنان باید کلاه ترکمنی به سر کنند. چند وقت پیش شبکه خبر مراسمی را در سمرقند آباد به صورت زنده پخش می‌کرد. تمام هیئت دولت همراه آقای قربان قلی وردی محمداف که رهبر آن کشور است همه یک جور کت و شلوار، یک جور پیراهن، یک جور کراوات و کفش پوشیده بودند اما در طرف آنها زنان دو نفر یک جور پوشیده بودند.

یعنی ما حتی در عرضه دیپلماتیک هم انتظام نداریم.

بله، انتظام ملی. می‌گویند در ایران بی‌نظمی، نظم است. من می‌در تهران بر یک خیابانی راه می‌روم، هر خانه‌ای یک شکل ساخته شده است. امروز در دنیا دیگر شهرداری‌ها هاجزاء نمی‌دهند. هر کسی هر طور که دوست داشت خانه‌اش را با هر رنگ و نمایی بسازد، چون انضباط و زیبایی شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما شما می‌بینید در ترکمنستان قوانین سفت و سختی در این باره وضع و اجرا می‌شود. می‌گوید نمای ساختمان باید سفید باشد، یعنی شما نمی‌توانید هر طور دل‌تان خواست خانه‌تان را رنگ بزنید.

آقای دکترا در نهایت به فقدان شناخت می‌رسیم. مصاحبه قبلی هم می‌گفتید قزاقستان هر کز قوشت فرمز دنیاست.

بله کشوری مسلمان هم است.

ولی ما در بزیل وارد می‌کنیم.

و بزیل هم از ما دلار و یورو می‌خواهد. اینجا شما می‌توانی همه چیز را با همسایه‌های شمالی یا پایای کنی. جالب است که در ترکمنستان با شناسایی ساختارهای اقتصادی اوراسیا و اگو. کشورهای آسیای‌میانه خیلی جلوتر دارند، یعنی نهادسازی‌های چندجانبه خیلی جلوتر رفته که بتوانیم با آسیای‌میانه، پیوندهای اقتصادی و مردمی‌مان را محکم کنیم توجه کنید روابط سیاسی ما زمانی راهبردی است که دارای دو پیوست باشد: اول پیوست مردمی و فرهنگی، دوم پیوست اقتصادی. زمانی که جیب من به جیب یک کشور همسایه دوخته شود، قطعاً آنجا پایگاه دشمن علیه من نخواهد بود. به لحاظ فرهنگی و مردمی هم کل آسیای‌میانه با جزئی از تمدن ایران بوده یا در امتداد تمدن ایران. پس ما این پیوست‌های بالقوه و بالفعل را داریم. این پیوست را باید به روابط سیاسی و دفاعی خوب ضمیمه کرد تا آن شاءالله شاهد راهبردی شدن روابط خود با این کشورها باشیم. مثال می‌زنم. در چند ماه اخیر برای اتباع قزاقستان دو نقطه لغو روادید قائل شده‌ایم که کار خوبی است اما متأسفانه درباره بقیه کشورها این طور نیست. ما چرا در بقیه کشورهای آسیای‌میانه ویزا را به عنوان یک مانع رفت و آمد و ارتباط لغو نکرده‌ایم. اگر این لغو صورت بگیرد، خیلی از مسافرها با رفتن و قطار خود را به ایران می‌رسانند و بندرهای ما رونق پیدا می‌کند. مرز زمینی ما با ترکمنستان و ارمنستان و کشورهای گلستان را ببینید، هر چیزی که به ذهن من و شما ببیاید در تجارت چندجانبه به آن طرف می‌برند. هر چه در ایران تولید می‌شود آنجا بازار مصرف دارد.

به خاطر چه؟

به خاطر مزیت نسبی و برتر، نیاز تمدنی، ارزان و نزدیک بودن. از فرش ماشینی بگیرید تا ابزوگاه جای از صادرات کارخانجات. تجارت چندجانبه هم دارند. به رغم اینکه آنجا موتوبولی پیسی و کوکاکولاست اما دلستر و نوشابه از ایران می‌رود. در همسایه‌های ما مانند اشنجر خیلی مشتری دارد و بخش قابل توجهی از ما اشنجر بدون الکل در ایران تولید می‌شود. الان در رقابت با ایران بسیاری از برندهای معروف دنیا، ما اشنجر بدون الکل هم می‌زنند.

اجازه بدهید برگردیم به ترکمنستان.

تنها نقطه در کزمرنمین که سیگار کشیدن در آن جرم است و زندان دارد ترکمنستان است، یعنی فردی در حال خرید و فروش و حمل سیگار دستگیر شود از شش ماه تا چندین سال زندان می‌رود، لذا سیگار یکی از قاچاق‌های سنگین از آن به ترکمنستان است. تنها نقطه در کزمرنمین است که هیچ نوع دخانیاتی وجود رسمی در آن ندارد.

این تأکید سفت و سخت از کجا می‌آید؟

در ایران بی‌نظمی، نظم است. من در تهران در یک خیابانی راه می‌روم، هر خانه‌ای دیدیه یک شکل ساخته شده است. امروز در دنیا دیگر شهرداری‌ها اجازه نمی‌دهند هر کسی هر طور که دوست داشت خانه‌اش را با هر رنگ و نمایی بسازد، چون انضباط و زیبایی شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما شما می‌بینید در ترکمنستان قوانین سفت و سختی در این باره وضع و اجرا می‌شود. می‌گوید نمای ساختمان باید سفید باشد، یعنی شما نمی‌توانید هر طور دل‌تان خواست خانه‌تان را رنگ بزنید.

چرا؟!

آقای قربان قلی وردی محمداف، رهبر ترکمنستان علاقه عجیبی به رنگ سفید دارد. نورپردازی برای نمای خانه‌ها هم رایگان است و هر کسی این کار را نکند، جریمه سنگین دارد. در تلویزیون ترکمنستان وقتی برنامه‌ها تمام می‌شود، پخش زنده نمای ساختمان‌های شهر را نشان می‌دهد. در ترکمنستان ورزش صبحگاهی از ۵/۵صبح در تمام ادارات دولتی، مدارس، دانشگاه‌ها و شرکت‌ها اجباری است. از سال‌ها پیش آقای قربان‌قلی وردی محمداف با یک هلی‌کوپتر سفیدرنگ بر فراز شهر می‌چرخید و بدون اطلاع قبلی در یک دانشگاه، وارد آنجا شده یا مدرسه و اداره می‌نشست که ببینند مردم ورزش می‌کنند یا نه.

دروافع شما می‌گویید تصویری که ما از جزئیات زندگی یک امریکایی یا اروپایی داریم درباره عادت‌های فرهنگی یا غذایی یا نظام اجتماعی و سیاسی‌شان خیلی بیشتر از همسایه‌های‌مان در آسیای‌میانه است.

بله و تنظیم روابط همسایگی ایجاب می‌کند که ما به شناخت از همسایه برسیم. در ترکمنستان و کل آسیای‌میانه دولت‌ها لائیک هستند اما در همین ترکمنستان، تمام مراکز فساد و فحشا، قمارخانه، دیسکو، بار و کاباره ممنوع است. اگر هم باشد زیرزمینی است. حجاب اجباری نیست اما پوشیدن لباس سنتی ترکمنستان برای زنان اجباری است که در آن لباس، زنان باید کلاه ترکمنی به سر کنند. چند وقت پیش شبکه خبر مراسمی را در سمرقند آباد به صورت زنده پخش می‌کرد. تمام هیئت دولت همراه آقای قربان قلی وردی محمداف که رهبر آن کشور است همه یک جور کت و شلوار، یک جور پیراهن، یک جور کراوات و کفش پوشیده بودند اما در طرف آنها زنان دو نفر یک جور پوشیده بودند.

آسیای میانه، منطقه‌ای است که بخشی از آن جزو تمدن ایران و بخش دیگر در امتداد تمدن ایران است. شما در هر پنج کشور آسیای‌میانه که بروید تمام مشاهیری که دارند و در کتاب‌های درسی گنجانده‌اند و برای آنها مجسمه، تاریخ و پیشینه ساخته‌اند ۱۰۰درصدشان جزو مشاهیر ایران است

کشور ما زمانی که نفت را پنج تا هفت دلاری فروخته‌است این سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌ها را اوایل دوره فروپاشی شوروی و استقلال این کشورها انجام داده است. متأسفانه بسیاری از این زیرساخت‌ها به خاطر عدم‌شناخت، ارتباط و مسائل دیگر بلااستفاده مانده است

تمام ۵ کشور آسیای‌میانه، واژه‌های روسی و فارسی در کرگی خودشان ممزوج شده است. در همین ترکمنستان بیش از ۲هزار واژه فارسی می‌بینید. مثلاما می‌گوییم آرایشگاه، آنها می‌گویند سرتراشخانه. ترک‌های ازبک‌ک این را می‌گویند

فرهنگی تمدنی بریده شده‌ایم. خب نسل جدید ما، حتی نخبه‌ها چقدر با میراث سعدی، نظامی، مولانا، حافظ و دیگران آشناست؟ ما چه استفاده‌ای از مفاخر فرهنگی خودمان داریم؟ ما این ظرفیت را فعال نکرده‌ایم. آن طرف ما و کشورهای آسیای‌میانه، شما ربط بحث زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و تمدنی مان شناخت دقیق ما از خودمان خواناخواه ما را به همسایه‌های‌مان هم وصل خواهد کرد.

مجموعه رایزنی‌های بازرگانی ترکیه ذیل معاون رئیس‌جمهور اداره می‌شود. در ۱۷۷کشور رایزن بازرگانی مستقر دارند و این رایزنی‌ها از بخش‌های غیردولتی هستند. دولت فقط به اینها گذرنامه رسمی داده است. خود اتحادیه‌های صنفی، اتاق‌های بازرگانی و صنایع و کشاورزی رفته‌اند در آن رایزنی‌ها مستقر شده‌اند، در حالی که ما فقط در ۱۵کشور دنیا رایزن بازرگانی داریم

یعنی محصول و اثر ما بهتر از خودمان می‌دیدند.

بله، روی دیوار می‌زنند. الان کمتر از سه دهه است که تابلوفوش مد شده است. دلیل رواج تابلوفوش هم غربی‌ها بودند نه ما. چون ما فرش دستباف را کالای مصرفی می‌دیدیم و چقدر بد که ما به تدریج عرصه را به رقبا واگذار کرده‌ایم. یک زمانی تا ۳۰سال پیش در ایران ۱۰میلیون نفر خانواده با فرش ارتزاق می‌کردند. الان کم شده است.

شما بحث اقتصاد را کاملاً در ارتباط با بحث فرهنگی می‌بینید، یعنی انگار مدیران ما اهمیت صنایع دستی‌مان را فهم نکرده‌اند.

دو پیوستی که می‌گویم همین‌ها هستند.

ما کار نکرده‌ایم.

الان هم در نشده است. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تشکیل شد، ولی فعلاً در وزارتخانه، بود دارد اما نمود ندارد. اگر یک فرد خوش‌ذوق و این کاره در رأس بود و یا مأموریت‌های این وزارتخانه اشنامی بود، اتفاقات خوبی می‌افتاد. می‌خواهم بگویم فرش و شعر ایران، دو تابلوی بزرگ ما برای معرفی هستند. [با این توضیح که هم‌اکنون فرش و شعر، هیچ یک در حوزه وظایف میراث فرهنگی نیست] این سا